



قال رسول الله ﷺ:

﴿إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتَقِنْ﴾

الكافي، ج ۳، ص ۲۶۳

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظایفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

طعمه ندانستن مسئولیت – بخش ۲

شناسنامه مطلب	
مطلب	m-t-36
رده	مهارتی/تشکیلاتی/مبانی و اصول/مولفه‌های تشکیلات توحیدی/وظایف اعضا
برچسب	خدمت، طعمه، هدف شخصی، خدمت، امام خامنه‌ای
توضیحات	

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

در بخش اول، این مطلب که اعضای یک تشکیلات، مسئولیت را فرصتی برای رسیدن به اهداف و اغراض شخصی تلقی نکنند؛ از منظر مقام معظم رهبری مطرح شد.

در این بخش نیز بیانات دیگری از ایشان در این زمینه ارائه می‌گردد:

« آنچه برای بنده و شما آقایان که این توفیق را پیدا کرده‌ایم تا بتوانیم به مردم خدمت کنیم، همیشه باید مطرح باشد، همین موضوع خدمت است. فرق جمهوری اسلامی با دیگر دستگاه‌هایی که مادی هستند و عمدتاً در زمینه‌ی مسائل انسانی، مبتنی بر یک فکر الهی نیستند، در همین یک نکته است که در جمهوری اسلامی، وزیر و مسئول و رئیس‌جمهور و مدیر در هر سطحی که هست نیت اصلی‌اش این است که به مردم خدمت کند و به اشاعه‌ی فکر الهی و آن حیات طیّبه و شایسته‌ای که خدای متعال برای انسانها مقرر فرموده است، کمک کند. اصل این است. برخورداری‌های شخصی، هدف نیست. مدیر، برای خودش کار نمی‌کند. واقعاً در بین مدیران ما، هستند کسانی که اگر انسان در طول فعالیت‌های روزانه‌ی اینها نگاه کند، می‌بیند در دوره‌ی سال، شاید یک‌بار، دوبار هم این‌ها برای خودشان کاری نمی‌کنند. یعنی فرصت نمی‌کنند که به خودشان برسند و مسائل شخصی خودشان را دنبال کنند. غالباً این‌ها مسائل شخصی‌شان هم خیلی می‌ماند. وقتشان، فکرشان، همتشان صرف خدمات به مردم است. این، آن خواسته‌ی اصلی است و شما آقایان، این نکته را باید یک لحظه از نظر دور ندارید که هدف، خدمت کردن است حکومت معنایش چیست؟ حکومت معنایش این است که انسان حقّی را احقاق کند؛ عدل را برپا بدارد. امیر المؤمنین علیه الصّلاة و السّلام، در آن صحبتی که معروف است^۱ و همه شنیده‌اید، فرمودند این حکومت به قدر این کفش یا بند این کفش برای من ارزش ندارد. بعد فرمودند: «إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقّاً» مگر اینکه حقّی را اقامه کنم. در این راه انسان هرچه بکشد و هرچه زحمت تحمّل کند و هرچه اضافه کار کند و هرچه شب بی‌خوابی بکشد و هرچه از آن امکاناتی که به‌طور معمول افراد جامعه دارند، محروم بماند، حقّش است، جا دارد و انسان در این صورت، ضرر

نکرده است. باز از امیر المؤمنین علیه الصَّلَاة و السَّلَام نقل شده است که در یکی از خطبه‌ها می‌فرماید: حاضر مضمون این است در راه اینکه اقامه‌ی حَقِّی کنم و ابطال باطلی کنم، بر روی خارهای سخت کشانده شوم. به هر حال، این آن چیزی است که مبنای کار ماست و باید به آن توجَّه داشته باشید^۱.

همچنین حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با استفاده از خاطره‌ای از اوایل انقلاب این مسئله اساسی را به تصویر کشیده‌اند:

«ما، قبل از ورود امام رضوان الله تعالی علیه، که در دانشگاه تهران تحصَّن کرده بودیم، چهار، پنج روز مانده به ورود امام، جلسه‌ای با دوستان تشکیل دادیم. اغلبِ دوستان هم از روحانیون بودند؛ گفتیم: «خوب؛ فردا امام وارد تهران میشوند. مردم میریزند سرمان؛ هر کس کاری دارد، مراجعه‌ای دارد، حرفی دارد؛ باید از حالا آماده باشیم و تشکیلات بیت امام را منظم کنیم؛ هر کس مسئولیتی به عهده بگیرد.» همه قبول کردند که بیاییم درباره‌ی این قضیه فکر کنیم. جلسه گذاشتیم؛ بنده گفتم: «من میشوم قهوه‌چی.» رفقا خندیدند و گفتند: «شوخی میکنی؟» گفتم: «نه؛ شوخی نمیکنم. اتفاقاً چون اهل چای هستم، چای خوب درست میکنم؛ من میشوم قهوه‌چی.» گفتند: «حالا شوخی نکن.» گفتم: «من شوخی نمیکنم؛ جدی میگویم. بالاخره منزل امام، يك چای‌ریز میخواهد! آن چای‌ریز، من باشم.» این حرف موجب شد که جلسه‌ی ما به يك سمت خوب رفت. فرق است بین این که هر کس بنشیند جایی و هدف بگیرند که «رئیس این تشکیلات کی باشد؟» من توی دلم بگویم: «بالاخره من مناسبرم.» شما بگویید: «من مناسبرم.» این جا يك معارضه و دعوا میشود. ما در این دعوا، به قول زورخانه‌چی‌ها، لُنگ انداختیم؛ گفتیم: «ما نیستیم؛ شغل ما قهوه‌چی‌گری.» همه لُنگ انداختند و کار، سامان گرفت. باید خودمان را در خدمت شغل قرار دهیم؛ شغل را در خدمت خودمان نخواهیم و ندانیم»^۲

۱- (۰۳ / ۰۶ / ۱۳۷۲)، بیانات در دیدار «هیئت دولت» در آغاز کار دوره‌ی دوم ریاست جمهوری آقای «هاشمی رفسنجانی»

۲- (۰۷ / ۰۵ / ۱۳۷۲)، بیانات در دیدار مسئولان «آذربایجان شرقی»